



کنفرانس با حضور مایک پمپئو وزیر خارجه پیشین آمریکا

۲۰ دی ۱۴۰۳

مریم رجوی : شکست استراتژیک در منطقه، آئینه تمام‌نمای ضعف و تزلزل رژیم آخوندها

آقای وزیر!

به خانه مقاومت ایران خوش‌آمدید. خوشحالیم که در اولین روزهای سال نو از شما استقبال می‌کنیم. امیدوارم این سال، سالی پر بار برای مردم شما و سال آزادی، صلح و بهروزی برای مردم ما و تمام خاورمیانه باشد.

سال شکست‌های سنگین برای رژیم

سال ۲۰۲۴ مملو از شکست‌های سنگین برای رژیم بود. ما شاهد تحریم گسترده دو نمایش انتخابات، افزایش مقاومت در زندان‌ها و روی آوردن جوانان بیشتری به کانون‌های شورشی و گسترش فعالیت‌های آن‌ها بودیم. رژیم هم‌چنین با یک اقتصاد ورشکسته، همراه با تورم ۴۰ درصدی و گسترش فقر و فساد گسترده مالی به‌ویژه در میان مقامات و فرماندهان سپاه و ریزش فزاینده در نیروهای وفادارش مواجه است. در چنین شرایطی بود که نیروی نیابتی اصلی رژیم، حزب‌الله لبنان، ضربه جدی خورد و نهایتاً ستون استراتژی خامنه‌ای در منطقه یعنی دیکتاتوری اسد، در ماه‌های آخر سال منهدم شد و حالا خامنه‌ای برآمدن یک قیام را پیش روی خود می‌بیند. اگر رژیم در داخل ایران ضعیف و بی‌ثبات نبود و اگر در محاصره خشم مردم نبود. در این صورت می‌توانست در صحنه سوریه بایستد و مهم‌ترین دولت متحد خود را حفظ کند. آنچه در سوریه رخ داد، انعکاس آشکار ضعف رژیم است.

مشاوران نزدیک خامنه‌ای، مغروران، می‌گفتند: «قدرت نفوذ ایران از محور ایران، عراق و سوریه تا مدیترانه رسیده» [۱] می‌گفتند: سوریه استان سی و پنجم ماست [۲] و «حلقه طلایی مقاومت» است. [۳]

آنچه در صحنه سوریه واقع شد، از ضعف قوای رژیم پرده برداشت. در روز شروع نبردها در حلب، رژیم تنها در این منطقه، ۳۰ پایگاه داشت [۴] با این همه، به محض شروع حملات نیروهای مخالف، قوای رژیم از هم گسیختند.

رسانه‌ها گزارش کردند که: ۳۵۰ نیروی مخالف وارد حلب شدند، ۳۰ هزار نیروی دولتی و وفادار به ایران بدون هیچ مقاومتی عقب‌نشینی کردند، مواضع خود را تخریب کردند و از منطقه خارج شدند. مشابه این وضعیت در سراسر سوریه رخ داد. [۵]

پیامدهای سنگین برای موجودیت رژیم

بنابراین، ادعای آخوندهای حاکم مبنی بر این که در سوریه نیرویی نداشتیم، دروغ محض است. آن‌ها از وقایع سوریه غافلگیر نیز نشدند. خامنه‌ای و وزیر خارجه‌اش تصریح کردند که از چند ماه پیش اطلاعات تحرک مخالفان را به بشار اسد رسانده بودند. در واقع درست این است که بگوییم سقوط بشار اسد، نتیجه فروپاشی قوای رژیم در سوریه است.

این وقایع پیامدهای سنگینی برای موجودیت رژیم دارد. تا همین جا هژمونی خامنه‌ای ضربه اساسی خورده است. نیروی تروریستی قدس هم ضربه جدی خورده و حتی نزد نیروهای خود رژیم زیر سؤال رفته است.

این شرایط باعث ترس نیروهای بسیج و سپاه شده است. خامنه‌ای در یک سخنرانی علنی از مداحان رژیم خواست با وحشت‌زدگی و ناامیدی آن‌ها مقابله کنند.

مهم‌ترین تأثیر، ارتقای روحیه رزمندگی در میان جوانان و آمادگی عمومی برای قیام‌های بعدی است. بالاترین نهادهای امنیتی رژیم از جمله وزارت اطلاعات و قرارگاه ثارالله - مهم‌ترین قرارگاه امنیتی تهران - دستورالعمل‌های محرمانه‌ی برای کنترل اعتراضات و پیشگیری از حوادث غافلگیرانه صادر کرده‌اند. در این دستورالعمل‌ها صریحاً احتمال بروز قیام‌ها پیش‌بینی شده است. با این حال، خامنه‌ای همین تدابیر امنیتی را هم بی‌اثر دید و در یک سخنرانی غیرمعمول در دوران حکومتش، تهدید کرد که شرکت‌کنندگان در اعتراض‌های آینده را سرکوب می‌کند. [۶]

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های ترسناک سقوط اسد برای رژیم این است که در این واقعه، توده‌های مردم ایران با خوشحالی بسیار به چشم دیدند که سرنگونی یک دیکتاتوری به شدت جنایتکار هم عملی است.

برای این هدف، خوشبختانه جوانان به پاخاسته ایران وسیعاً به کانون‌های شورشی رو آورده‌اند.

فعالیت فزاینده کانون‌های شورشی بخشی از آماده‌سازی برای تدارک قیام سازمان‌یافته برای سرنگونی است. آن‌ها به‌طور خستگی‌ناپذیر فعالیت و فداکاری می‌کنند و رزمندگان جدید را به پیوستن به صفوفشان تشویق می‌کنند کانون‌های شورشی بی‌وقفه برای مقابله با تدابیر امنیتی رژیم در تکاپو هستند. اما عامل تعیین‌کننده، حمایت مؤثر مردم از آن‌ها است. شکست استراتژیک رژیم در سوریه و لبنان، آئینه تمام‌نمای ضعف آن در داخل کشور است. دیکتاتوری بعدی که باید سرنگون شود و سرنگون خواهد شد، رژیم‌آخوندی است.

لزوم خلع ید از رژیم در منطقه و اتخاذ یک سیاست قاطع

شکست‌های رژیم در منطقه البته سنگین و جبران‌ناپذیر است. اما نباید این ساده‌نگری را ایجاد کند که گویا خامنه‌ای پایه‌هایی را که حکومت‌اش بر آن استوار است، قطع خواهد کرد. او نه سرکوب مردم ایران را متوقف می‌کند، نه از برنامه سلاح هسته‌یی دست بر می‌دارد و نه در جنگ‌افروزی در منطقه تجدید نظر خواهد کرد. آن‌ها به‌دلیل قدرت‌شان، به جنگ و سرکوب و سلاح هسته‌یی رو نیاورده‌اند، واقعیت این است که آن‌ها برای شکستن محاصره قیام‌ها و مقابله با موج سرنگونی‌طلبی در جامعه ایران به این استراتژی نیازمند شده‌اند.

تنها یک راه برای خلع ید از رژیم در منطقه، برچیدن بساط برنامه اتمی و موشکی سپاه پاسداران و واداشتن آن‌ها به توقف شکنجه و اعدام جوانان ایران وجود دارد و آن سرنگونی استبداد دینی به‌دست مردم و مقاومت ایران است.

این مقاومت مدافع یک جمهوری دموکراتیک، کثرت‌گرا، مبتنی بر جدایی دین و دولت و برابری زن و مرد و یک ایران صلح‌جو و غیراتمی است.

زمان آن است که جامعه جهانی مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم و نبرد جوانان شورشگر با سپاه پاسداران را به رسمیت بشناسد. به رسمیت شناختن مقاومت ایران و نبرد کانون‌های شورشی، بخش ضروری یک سیاست قاطع علیه رژیم‌آخوندهاست.

این انتخابی در بین انواع انتخاب‌ها نیست. بلکه یگانه راه‌حل عملی و ممکن در برابر فاشیسم دینی حاکم بر ایران است.

[۱] - دبیرخانه شورا، اطلاعیه، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۳

[۲] - آخوند طائب، رسانه‌های رژیم-۲۶ بهمن ۹۱

[۳] - ولایتی، رسانه‌های حکومتی-۷ بهمن ۹۱

[۴] - خبرگزاری تسنیم، ۲۱ آذر ۱۴۰۳: «گروه‌های معارض می‌گویند نیروهای مقاومت در این منطقه بیش از ۳۰ پایگاه داشتند ولی در نقشه‌هایی که به اندازه معارضان بزرگنمایی نمی‌کند می‌گویند که مقاومت دست‌کم در ۱۷ نقطه این منطقه از پایگاه برخوردار بوده است»

[۵] - روزنامه العرب، لندن، ۱۴۰۳/۹/۳۰

[۶] - تلویزیون شبکه خبر ۱۴۰۳/۱۰/۲